

تحلیل آموزش، پذیرش و تغییر رفتار حجاب دختران در مراحل مختلف تحول (از کودکی تا جوانی)

عبدالله معتمدی^۱

چکیده

هدف اصلی مقاله حاضر، معرفی روش‌های تربیتی مبتنی بر دیدگاه روان‌شناختی در تربیت حجاب دختران است. رعایت حجاب برای زنان، آثار گسترده‌ای شامل احساس آرامش فردی، ارتقای حریم و حفظ جایگاه خود ارزشمندی، افزایش اعتماد به نفس، سلامت روابط اجتماعی، افزایش رضایتمندی زناشویی، افزایش اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و غیره را به دنبال خواهد داشت. از طرف دیگر، حجاب نشانه‌ای از ایمان به اسلام است. در این مقاله تلاش شده است با بهره‌گیری از دانش روان‌شناسی و براساس رویکرد تحولی، چگونگی شکل‌گیری رفتار محجبهانه در دختران توضیح داده شود. بر این اساس، سطح آمادگی‌های فرد مهم‌ترین مبنای نوع آموزش است. یافته‌ها نشان می‌دهد: ۱. آموزش، پذیرش و تغییر رفتار حجاب در دختران نیازمند اقدام در سال‌های اولیه است. ۲. ابتدایی‌ترین روش یادگیری حجاب، روش یادگیری مشاهده‌ای و مبتنی بر وجود رفتار الگوی مؤثر در پیرامون کودک است. ۳. با تحول جسمی و شناختی کودک نباید از نقش عوامل بیرونی دیگر غافل شد. ۴. بروز نگاه‌ها و رفتار انتقادی در دختران نباید با واکنش‌های غیرمنطقی رو به رو شود. ۵. تکیه بر اینکه رعایت حجاب یک دستور الهی است، ضمن آنکه در مراحل سنی گوناگون قابل توصیه است، نیازمند تقویت بنیان‌های فکری دختران در حوزه مباحث خداشناسی است.

واژه‌های کلیدی: حجاب، دختران، آموزش، رویکرد تحولی

۱. دانشیارگروه روانشناسی بالینی و عمومی دانشگاه علامه طباطبائی a.moatamedy@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۵ تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۷

مقدمه

مطالعات مختلف نشان می‌دهد با وجود وقایعی که در جهان برای بیزاری از اسلام و مسلمانان توسط قدرت‌های بزرگ برنامه‌ریزی شده است، مانند حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا یا جنایات داعش در کشورهای مختلف، اما گرایش به حجاب در دنیا رو به افزایش است. این گرایش به‌ویژه در بین جوانان مشهود است (نئومان، ۲۰۱۶).

کلمه حجاب هم به معنای پوشیدن و هم پرده و حاجب است؛ اما بیشترین کاربردش به معنای پرده است. این کلمه از آن جهت معنای پوشش می‌دهد که پرده وسیله پوشش است و شاید بتوان گفت بر مبنای اصل لغت، هر پوششی حجاب نیست. آن پوششی حجاب نامیده می‌شود که از طریق پشت پرده واقع شدن صورت گیرد (مطهری، ۱۳۷۶). حجاب و پوشیده‌رویی در ادبیات فارسی با واژه «حیا» مرتبط است (هاشمی، ۱۳۸۶). بدون شک، حجاب از مسلمات اسلام است و همه فقها درباره آن اتفاق نظر دارند و نیز هر گونه بدحجابی و بی‌حجابی برخلاف شریعت مقدس اسلام است. دستور حجاب، یکی از مؤکدترین سفارش‌های اسلام است. قرآن مجید در آیات متعددی، از جمله آیات ۳۱ و ۶۰ سوره نور و آیات ۳۲ و ۵۹ سوره احزاب بر مسئله حجاب تأکید دارد.

گاهی اوقات در غرب وقتی صحبت از حجاب می‌شود، عمدتاً به پوششی که روی سر زنان قرار می‌گیرد، اشاره دارد؛ در حالی که زنان محجبه علاوه بر پوشاندن موی سر خود، اندام خود شامل پاها، دست‌ها و بدن خود را نیز می‌پوشانند (قرة العین و ایتون، ۲۰۱۵).

درباره حد حجاب گفته شده است: حجاب واجب آن است که زن بدن خود را به جز صورت و دست‌ها تا میچ به هر وسیله‌ای که می‌تواند بپوشاند و لباس خاصی شرط نیست؛ ولی لباس‌های تنگ و چسبان و نیز لباس‌های زینتی اشکال دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ص ۳۹۷).

حجاب با وجود آنکه انتخاب یک نوع پوشش است، معرّف شخصیت فرد و عقاید فرد نیز می‌باشد. یافته‌های یک مطالعه کیفی در کانادا درباره ادراک و تجربه نوجوانان از حجاب، نشان می‌دهد که انتخاب حجاب استدلال درونی داشته و افراد باحجاب، حجاب را به عنوان روشی برای معرفی اسلام و مسلمان بودن خود انتخاب کرده‌اند (ایما، ۲۰۱۶). بنابراین، حجاب نشانه‌ای از ایمان به اسلام است (لاته و مودور، ۲۰۱۴).

اما مهم‌ترین نکته آن است که چگونه باید برای تحقق این فرمان الهی عمل کرد تا فرزندان، با سهولت بیشتری این رفتار را بپذیرند و ثانیاً در مراحل گوناگون سنی و در مقابل افکار و رفتارهای ایدایی و تخریبی حجاب، بتوانند خودخواسته حجاب خود را حفظ نمایند. در واقع، این رفتار در دو مرحله مورد توجه است: ۱. چگونگی ایجاد آن؛ ۲. چگونگی استمرار آن.

در برنامه‌های تغییر رفتار که در روان‌شناسی مطرح شده است، در ذیل روش‌های ایجاد رفتار تازه، مهم‌ترین اقدام تقویت تفکیکی و شکل‌دهی به رفتار به کمک تقویت تفکیکی است. در تقویت تفکیکی، رفتار مورد نظر تقویت می‌شود و نیرومندی آن افزایش می‌یابد؛ در حالی که رفتارهای دیگر خاموش می‌شود و نیرومندی آن‌ها کاهش می‌یابد. علاوه بر آن، الگوبرداری یا سرمشق‌گیری نیز به عنوان یک فرایند مهم یادگیری در شکل‌دهی به رفتار و شخصیت ما مؤثر دانسته شده است. همچنین در ذیل مباحث روش‌های نگهداری و گسترش رفتارهای مطلوب، برای استمرار رفتار مطلوب، استفاده از انواع برنامه‌های تقویت پیشنهاد شده است (سیف، ۱۳۹۳). در ادامه سعی شده است همراه با تحلیل رفتار دختران متناسب با اکتساب ظرفیت‌های تحولی که پیدا می‌کنند، از این اصول و قواعد در راستای آموزش و پذیرش حجاب دختران استفاده شود.

رویکرد تحولی در ایجاد شکل‌گیری حجاب

هر گاه بخواهیم مفاهیم آموزشی خود را متناسب با سطح توان مخاطب با تأکید بر توان‌های برگرفته شده از سطح تحول جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی فرد ارائه کنیم، از یک رویکرد تحولی در آموزش استفاده کرده‌ایم. به عبارت دیگر، افراد در سنین مختلف به لحاظ توان جسمی، شناختی، اجتماعی و عاطفی متفاوت هستند. این توان‌ها که در وهله نخست، بر اساس سن تقویمی قابل مشاهده است، متعاقب خود سطح توان شناختی، عاطفی و اجتماعی فرد را نیز منعکس می‌کند (سیگلمن و رایدر، ۲۰۱۸). برای مثال، یک کودک پنج ساله در سطح معینی از توان جسمی قرار دارد و متعاقب آن سطح توان شناختی، عاطفی و اجتماعی او نیز قابل درک است. البته ممکن است این سطوح درباره یک فرد خاص با هم مطابقت نداشته باشد؛ مثلاً کودکی که به لحاظ جسمی در حد سن پنج سالگی است، اما از نظر شناختی یا اجتماعی در سطح کودک هفت ساله باشد. با این حال،

بر مبنای یک قاعده کلی با مبنا قرار دادن سطح تحول فرد می‌توانیم به آموزش او و در این مورد خاص به آموزش حجاب بپردازیم.

سطوح تحولی و کیفیت آموزش حجاب

الف. ۱ تا ۵/۳ سالگی

کودکان حدوداً از سن یک سالگی می‌توانند مستقلانه راه بروند و زبان دریافتی آن‌ها با گذشت ایام بهتر و بهتر می‌شود؛ تا اینکه در حدود یک و نیم سالگی زبان بیانی آن‌ها نیز قادر خواهد شد چند کلمه را بیان کند. دختران در این سن از گستره کلامی بیشتر و روانی و سلاست کلامی بالاتری برخوردارند (برک، ۲۰۰۷، ۱۳۹۰).

از یک سال و نیم به بعد جلب نظر دیگران احساس خوشایندی را در کودک ایجاد می‌کند و لذا نه به خاطر دیگران بلکه به خاطر رضایت خود، به تقلید از رفتار دیگران و حرکت به سمت رفتارهای اجتماعی می‌رود (سانتراک، ۲۰۱۳). در این مرحله، یادگیری مشاهده‌ای طبق آنچه بندورا^۲ مطرح کرده است، به خوبی محقق می‌شود؛ از این رو، یادگیری حجاب در این سن نیازمند وجود الگو در اطراف کودک است. از آنجا که دختران در این سن به تقلید رفتار مادر گرایش پیدا می‌کنند، حجاب مادر بهترین الگو برای فرزند او است، به هر میزان که در فضای خانواده و اطرافیان این رفتار (حجاب) بیشتر بروز کند، این رفتار در کودک بیشتر تقویت می‌شود. البته به جز مادر نوع پوشش افراد دیگری که در فضای خانواده و در فضای تعاملی کودک قرار دارند، نیز بر تقویت یا تضعیف شکل‌گیری حجاب کودک تأثیرگذار است.

بنابراین، اولین گام در اینجا وجود الگوی مناسب حجاب برای دختران خردسال است. دختر بچه‌ای را تصور کنید که در دو سالگی است و مادر برای او مقنعه یا چادر مناسبی را تهیه کرده و او به شکل تفننی در مواقعی آن را به سر می‌کند و ادای مادر را در می‌آورد. طبق گفته بندورا، اینجا اولین مراحل یادگیری مشاهده‌ای اتفاق افتاده است؛ اما وقتی این رفتار تقلید شده استحکام پیدا می‌کند که به مرحله انگیزشی برسد. اگر در این مرحله، رفتار تقلید شده توسط کودک از سوی دیگران

1. L. Berk

2. J. Santrock

3. Bandura. A

به خوبی تأیید و تشویق شد، این رفتار تحکیم پیدا می‌کند (همان). تأیید و تشویق دختر بچه دو تا سه و نیم ساله‌ای که حجاب دارد، باید متناسب با سطح درک و تمایلات او باشد. در آغوش گرفتن، محبت کردن، تشویق کلامی و بعدها تأیید کلامی برای این سن مناسب است.

گفته شده است از حدود سه و نیم سالگی، کودکان تفاوت جنسی خود با جنس مخالف را متوجه می‌شوند. البته این در ابتدا ناقص است که ممکن است در ابتدا فکر کنند با پوشیدن لباس جنس مقابل می‌توانند تغییر جنسیت دهند؛ اما به مرور این تفاوت در ذهن آن‌ها دقیق‌تر می‌شود (معمدی، ۱۳۸۶).

نکته مهم، لزوم توجه به نقش جنسی کودکان از سوی والدین است. نقش جنسی، مجموعه انتظاراتی است که جامعه از دختر یا پسر، یا زن یا مرد دارد. این انتظار را دو عامل تعیین می‌کند: اول، طبیعت زیست‌شناختی و دوم، ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی (سیگلمن و رایدر، ۲۰۱۸). با توجه به نقش این دو عامل، لازم است انتظار ما از رفتارهای پسران و دخترانمان یکسان نباشد و ما باید آن‌ها را برای پاسخگویی به انتظاراتی که جامعه از آن‌ها دارد، تربیت کنیم. به عبارت دیگر، باید پسرانمان را برای مرد شدن و دخترانمان را برای زن شدن تربیت کنیم. از این رو، اگر نوع نگاه ما به حجاب نیز در راستای این نقش جنسی و متناسب با ارزش‌های فرهنگی و به ویژه ارزش‌های اسلامی تعریف شود، ثبات رفتاری ما در تعامل با حجاب دخترانمان نیز بر مبنای این نگاه است و ضامن تحکیم رفتار محجبهانه دخترانمان خواهد شد.

ب. ۳/۵ تا ۷ سالگی

وقتی دختران به سن سه و نیم سالگی می‌رسند، توانایی‌های زیادی به لحاظ جسمی شناختی و اجتماعی کسب کرده‌اند. همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، تمایل جنسی از سه و نیم سالگی اتفاق می‌افتد. در این سن، دامنه کلمات کودکان بسیار وسعت پیدا کرده و قادر به درک مفاهیم ساده، جملات، حکایات و قصه‌ها خواهند بود. توانایی‌های جسمی آن‌ها نیز ارتقا پیدا کرده و این امکان را دارند که ساعت‌ها دور از چشم والدین خود با گروه همسن و سال خود بازی کرده و ارتباط داشته

باشند (شافرو کیپ، ۲۰۱۳). هر چند هنوز مهم‌ترین عامل تعیین‌کننده برای رفتارهای کودکان، نوع نگاه و تربیت والدینشان است، اما آن‌ها به نوعی نیز تحت تأثیر گروه همسن و سال خود قرار می‌گیرند و در جهت تعامل و هماهنگی با آن‌ها سعی می‌کنند به خواسته‌ها، نظرات و رفتارهای آن‌ها نیز پاسخ دهند. بنابراین، والدین باید بدانند که آن‌ها در این زمان تنها عامل تربیت‌کننده رفتار کودکان خود نیستند؛ بلکه سبک تربیتی خانواده‌هایی که فرزندان آن‌ها با فرزندان شما در ارتباط هستند، نیز روی تربیت فرزند شما اثرگذار خواهد شد. برای مثال، اگر شما دختر سه و نیم تا هفت ساله خود را عادت به پوشیدن مقنعه یا چادر کرده‌اید، ولی هم‌بازی‌های او با سربرهنه یا بازی می‌کنند و احياناً زینت‌هایی نیز بر سر دارند که آن‌ها را جذاب می‌کند، مانند داشتن گیره مو، یا چیدن یا بافتن منظم موها، یا حتی استفاده از گوشواره و ...، این‌ها می‌تواند انگیزه پوشیدن حجاب را برای فرزند شما کمتر کند. بنابراین، با توجه به ویژگی‌های بچه‌های همسن و سال کودکان ما و تأثیرپذیری فرزندانمان از آن‌ها، این موضوع باید برای خانواده‌ها مهم تلقی شود. با این وجود، باید بدانیم که کودکان هم سن و سال فرزندان ما، بچه‌های خانواده‌هایی هستند که ما با آن‌ها رفت و آمد می‌کنیم. بخشی از تربیت کودکان در این سنین تحت تأثیر رفت و آمدهای است که ما با فامیل و آشنایان داریم. لذا توجه به رفت و آمدها و اشخاصی که با آن‌ها معاشرت داریم، به طور غیر مستقیم در تربیت فرزندانمان اثرگذار خواهد بود.

توانایی کلامی که بچه‌ها بعد از سه و نیم سالگی پیدا می‌کنند، زمینه مناسبی است تا درباره اهمیت و چرایی حجاب با آن‌ها صحبت کرد. روان‌تحلیل‌گران معتقدند که کودکان در این سنین هنجارهای والدین را پذیرفته و آن‌ها را درونی می‌کنند (سیگل من و رایدر، ۲۰۱۸). بنابراین، گفتگو درباره حجاب هم ضرورت دارد و هم اثربخش است. البته اینکه وقتی می‌خواهیم درباره حجاب دختران صحبت کنیم، باید به چه موضوعاتی بپردازیم، اهمیت بسیاری دارد. یک نکته مهم آن است که درک کودکان از عقاید و رفتار ما صرفاً به مواقعی محدود نمی‌شود که ما در مقام توضیح عقاید و رفتار خود هستیم؛ بلکه در مواقع عادی نیز و از لابلای کلمات و گفتگوهای غیر مستقیم ما نیز آن‌ها به عقاید ما پی می‌برند. برای مثال، اگر مادری ناخودآگاه و در موقعیت‌های خاصی بگوید که پوشیدن حجاب او را پیرتر نشان می‌دهد، یا زشت‌تر و یا چاق‌تر می‌شود، یا وقتی در فضای منزل حجاب

خود را بر می‌دارد از دست و پا گیر بودن و مشکلات حجاب بگوید، این گفته‌ها در مقایسه با زمانی که مادر کودک را مخاطب قرار داده است و از محاسن حجاب صحبت می‌کند، بسیار اثربخش‌تر است. از این رو، مادری که حجاب دارد باید به حجاب خود افتخار کند، آن را با آگاهی پذیرفته باشد و نسبت به آن خوش‌بینی داشته باشد.

از سوی دیگر، بیان افراطی درباره عواقب بی‌حجابی یا بدحجابی برای دختران در این سنین نیز توصیه نمی‌شود. شاید بهترین گفتار، ارتباط دادن حجاب با فرمان خداوند باشد. از آنجا که خداوند انسان‌ها را دوست دارد و مصلحت و خوشبختی انسان‌ها به اطاعت از خداوند بر می‌گردد؛ بنابراین، ما به فرمان خداوند حجاب را انتخاب می‌کنیم. به نظر می‌رسد این جهت‌گیری در گفتار بنا بر دلایل گوناگون، هم برای متقاعد کردن امروز کودک و هم برای ادامه رفتار حجاب در آینده مفیدتر از انواع گفتمان دیگر است. سیاح ورگ، امیرپور و وحیدی (۱۳۹۲)، در تحقیقی بیان کرده‌اند که هر چه والدین در تربیت دینی و مذهبی فرزندان بیشتر کوشا باشند و اعتقادات مذهبی را در آن‌ها رشد دهند، عفاف و حجاب در آن‌ها نهادینه‌تر می‌شود.

یکی دیگر از عواملی که بر نگرش دختران به حجاب در این سنین اثر می‌گذارد، رسانه‌ها و به طور اخص برنامه‌های تلویزیون است. به نظر می‌رسد کودکان در سنین سه و نیم تا هفت سال، به طور معمول یک تا چند ساعت از اوقات شبانه روز خود را در مقابل تلویزیون می‌گذرانند. در تحقیقی، کریمی و قویمی (۱۳۹۶) بیان می‌کنند که بیش از ۷۰ درصد از والدین حد تماشای تلویزیون را توسط فرزندان خود زیاد و متوسط ارزیابی کرده‌اند و بیش از ۷۰ درصد جنبه‌های آموزش دینی تلویزیون را کم‌رنگ‌تر از جنبه‌های دیگر ارزیابی کرده‌اند. برنامه‌های تلویزیون، به‌ویژه نوع پوشش و دیدگاه شخصیت‌های هم‌سن و سال کودکان در برنامه‌ها به طور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتار و نگرش کودکان اثرگذار است. همچنین خانواده‌هایی که از ماهواره استفاده می‌کنند، بیش از خانواده‌های دیگر، کودکان خود را در معرض برنامه‌های مخرب قرار می‌دهند. رویارویی با الگوهای متفاوت از نوع پوشش، سؤالات جدی‌ای را در ذهن کودک به وجود می‌آورد. چگونگی پاسخ به این پرسش‌ها و کمک به کودک برای دفاع از حجاب خود در مقابل الگوهای متنوع از بی‌حجابی و بدحجابی کار بسیار دشواری است. با این وجود، باید دانست به نسبتی که ارتباط عاطفی بین الگوهای باحجاب با کودک قوی‌تر باشد، او آمادگی بیشتری برای پذیرش سخنان و رفتار آن‌ها دارد (صدر و معتمدی، ۱۳۹۶).

ج. ۷. تا ۱۲ سالگی

سن هفت تا دوازده سالگی، سنین دوره ابتدایی است. براساس نظر بیشتر فقها و مجتهدان، سن نه سالگی برای دختران سن بلوغ شرعی محسوب می‌شود. براین اساس، او باید از این سن به بعد تکالیف شرعی خود را همانند یک فرد بزرگسال بالغ انجام دهد. در حالی که بین فقها دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به سن نه سالگی برای بلوغ شرعی دختران وجود دارد، اما بیشتر مراجع این امر را تأیید می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهد که بلوغ جنسی در دختران از حدود یازده تا یازده و نیم سالگی شروع می‌شود (سانتراک، ۲۰۱۳). مهم‌ترین نشانه‌های بلوغ جنسی در دختران، تجربه قاعدگی و پیدایش صفات ثانوی جنسی است. همزمان با تغییرات جسمی که به تبع بلوغ جنسی اتفاق می‌افتد، نوجوان به لحاظ شناختی و عاطفی نیز دچار تغییراتی می‌شود. توانایی‌های شناختی در این دوره افزایش می‌یابد. قدرت بحث و مجادله پیدا می‌کند. می‌تواند به روش‌هایی غیر از آنچه تاکنون به موضوعات اندیشیده است، فکر کند و گاهی افکار قبلی خود را مردود می‌شمارد. ممکن است با اعتقادات و نظر والدین خود اختلاف نظر پیدا کند. او می‌خواهد دنیای جدیدی را براساس فکر خود بسازد. این نوع تفکر و شک کردن نسبت به آموزه‌های قبلی از حدود ده و نیم یا یازده سالگی در دختران شروع می‌شود. البته در سنین بالاتر این قدرت تفکر قوی‌تر می‌شود. پیوندهای عاطفی بیشتری با دوستان خود پیدا کرده و چه بسا پیوندهای عاطفی‌اش با اعضای خانواده سست‌تر شود (همان). این اتفاق هر چه به پایان دوره ابتدایی برسد، بیشتر می‌شود و در دوره‌های اول و دوم متوسطه شدت پیدا می‌کند. با این توضیحات می‌خواهیم به این نتیجه برسیم که لزوماً بلوغ شرعی پس از بلوغ شناختی (به تعبیر روان شناختی) قرار ندارد. به عبارت دیگر، نمی‌توان استدلال کرد که دختران در حالی به بلوغ شرعی رسیده‌اند که از نظر شناختی نیز به بلوغ رسیده و به خوبی قدرت تجزیه و تحلیل پیدا کرده‌اند. زیرا جهشی که از نظر شناختی در دختران و پسران اتفاق می‌افتد، عمدتاً مقارن با سن بلوغ جنسی است که برای دختران به طور معمول حدود یازده و نیم سالگی و برای پسران حدود دوازده و نیم سالگی است.

بنابراین، مبنای بلوغ شرعی دختران، رشد شناختی آن‌ها نیست؛ بلکه مرتبط با یک موضوع تخصصی فقهی است که دلایل خاص خود را خواهد داشت. آیت‌الله خامنه‌ای در رساله پاسخ به استفتائات خود در جواب سؤال ۱۸۹۲ در همین باره می‌فرماید: «معیار توجه تکالیف شرعی به انسان این است که او شرعاً بالغ و از نظر عرف عاقل باشد؛ ولی درجات درک و هوش معتبر نیست و در این

رابطه تأثیر ندارد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۷، ص ۴۵۸). همچنین باید بدانیم که دختران پس از بلوغ شرعی، یعنی سن نه سالگی با تغییرات فیزیکی و شناختی خاصی رو به رو خواهند شد که به تبع آن، برخی از رفتارها و اندیشه‌های خود را زیر سؤال خواهند برد. بنابراین، درباره حجاب دختران به دو نکته باید توجه کرد: ۱. لازم است با مقدماتی وارد دوره ابتدایی شویم تا دختران از آغاز دوره ابتدایی با سهولت و انگیزه بالا حجاب خود را رعایت کنند. برای این منظور، علاوه بر اقداماتی که به آن اشاره شد و قبل از دوره ابتدایی باید جدی گرفته شود، از هفت سالگی نیز اقدامات جدیدی باید صورت پذیرد. این اقدامات می‌تواند مواردی مانند انتخاب دبستان مناسب، دوستان مناسب، تشویق به مطالعه کتاب‌های مربوط به رعایت حجاب، مشارکت در برنامه‌ها و مراسمی که تقویت‌کننده حجاب بوده و همچنین بحث و گفتگو درباره حجاب باشد.

با رسیدن به پایه سوم دبستان، برگزاری جشن تکلیف نیز اقدامی بسیار سنجیده است. با این حال، خانواده باید با جدی تلقی کردن این اقدام، نوع برخورد خود را با دخترشان بازتعریف کنند. ممکن است سن بلوغ شرعی دختران که براساس سال قمری تعیین می‌شود، با مراسم جشن مدرسه که به شکل عام گرفته می‌شود، انطباق نداشته باشد؛ از این رو، والدین باید مبنای ورود به سن تکلیف را شرایط خاص فرزند خود در نظر بگیرند، نه مراسم و جشن مدرسه. این جشن می‌تواند یک رفتار نمادین برای ارج‌گذاری به رشد دختران و مکلف شدن آن‌ها تلقی شود و ملاک تعیین سطح انتظار از دختران نیست. با این وجود، همان طور که مشخص است وقتی می‌توان از دختران رعایت وظایف شرعی‌شان را پس از جشن تکلیف انتظار داشت که آن‌ها از قبل نیز عامل به وظایف شرعی بوده و تمرین لازم را داشته باشند.

د. ۱۲ تا ۱۸ سالگی

با وجود آنکه دختران پس از بلوغ شرعی مکلف به انجام تکالیف شرعی، از جمله رعایت حجاب هستند، باید توجه داشت که دو یا سه سال پس از جشن تکلیف و ورود به دوره بلوغ شرعی به دلایل رشد شناختی که قبلاً نیز به آن‌ها اشاره شد، ممکن است دختران نسبت به نحوه پوشش خود دچار تردید شوند و درستی یا نادرستی آن برایشان دغدغه شود. در پژوهش شوریده، محتشمی، عبدالجباری و کرمخانی (۱۳۹۵) نشان داده شده که تردید در باورها حجاب را تضعیف می‌کند. اما این امر همان طور که گفته شد، در وهله نخست ناشی از افزایش قدرت تجزیه و تحلیل فرد به دلیل

رشد شناختی است؛ هر چند می‌تواند به دلیل رویارویی بیشتر آن‌ها با الگوهای متنوع پوشش در جامعه خود و سایر جوامع نیز باشد. با توجه به گسترش ارتباطات در دنیای امروز و آشنا شدن نسل جوان با اندیشه‌ها و رفتارهای سایر مردم جهان و مشاهده الگوهای موفق در بین کسانی که لزوماً پایبند به حجاب نبوده‌اند، این پرسش به طور جدی برای او مطرح می‌شود که چرا تا کنون فکر می‌کرده است که رعایت حجاب باعث توفیق و سلامت زنان می‌شود؛ در حالی که زنان محجبه فراوانی را در جامعه می‌بیند که در موقعیت نامناسب قرار گرفته، اما در مقابل بسیاری از زنان غیر محجبه در موقعیت مناسبی زندگی می‌کنند و با ملاحظه اینکه بیشتر زنان تحصیلکرده حجاب را جدی نگرفته‌اند، ممکن است گرایش به حجاب در او تضعیف شود.

از طرف دیگر، با ترشح هورمون‌های جنسی در یازده و یازده و نیم سالگی صفات اولیه جنسی کامل‌تر شده و صفات ثانویه جنسی بروز می‌یابد. پیامد عاطفی این تغییرات جسمی، گرایش افراد به جنس مخالف است (شافروکیپ، ۲۰۱۳). دختران بیش از پیش به اندام و زیبایی‌های خود توجه پیدا می‌کنند؛ اما ممکن است آن‌ها احساس کنند حجاب مانع از جلوه این زیبایی‌ها در نظر دیگران و به ویژه جنس مخالف می‌شود. بنابراین، رعایت حجاب در این سن می‌تواند با برخی ویژگی‌های نوجوانان در تعارض قرار گیرد. یکی، رشد شناختی است که سبب تردیدهایی در باورهای قبلی او می‌شود و دیگری، تمایلات عاطفی به خودنمایی است که می‌تواند با رعایت حجاب محدود گردد. این دو زمینه که به نظر می‌رسد حجاب دختران را با چالش رو به رو می‌کند، می‌تواند تسهیل‌گر نیز بوده و به استحکام رفتار محجبهانه دختران منجر شود. این مطلب نیاز به توضیح دارد که در ادامه می‌آید. باید بدانیم که تردید و تفکر انتقادی نسبت به حجاب در دوره نوجوانی برای دختران نه تنها نگران‌کننده نیست، بلکه می‌تواند زمینه‌های ادامه راسخ‌تر حجاب را در دختران به دنبال داشته باشد. در واقع، شک و تردیدهایی که در دوره نوجوانی پیدا می‌شود، اگر به خوبی هدایت شود، می‌تواند مقدمه‌ای برای ساخت دنیای جدید فرد بر اساس اندیشه‌های خود او باشد. وقتی دختر نوجوان احساس کند که نوع پوشش خود را بر اساس یک تحلیل و شناخت انتخاب کرده است، نسبت به زمانی که احساس کند حجاب او ناشی از القای والدین است و خود دلیلی برای آن ندارد، در حفظ و استمرار آن متفاوت عمل خواهد کرد. تحقیقات انجام شده نیز بیانگر تأثیر مثبت باور و آگاهی در رعایت حجاب و عفاف است (طیبی‌نیا و احمدی، ۱۳۹۲). بنابراین، در مقابل تردیدها و دیدگاه‌های انتقادی دختران نوجوان نسبت به حجاب باید به موارد زیر توجه داشت:

۱. فرصت بیان اشکال‌ها و ایرادهای آن‌ها به حجاب ارائه شود.
 ۲. در هر بار که این مباحث را مطرح می‌کنند، بدون سرزنش و تحقیر به آن‌ها کمک شود تا پایه‌های استدلالی کافی برای این رفتار پیدا کنند.
 ۳. تقویت مباحث خداشناسی می‌تواند امکان ارتباط حجاب با فرامین الهی را تقویت نماید.
 ۴. تشویق به شرکت در محافل مذهبی و مطالعه کتاب‌های مرتبط با حجاب می‌تواند در جهت‌گیری فکری نوجوان مؤثر باشد.
 ۵. حجم رویارویی آن‌ها با اطلاعات مؤید حجاب باید کمتر از مواجهه با اطلاعات مخرب حجاب نباشد.
 ۶. از تغییرات رفتاری دوره‌ای آن‌ها و احیاناً کم‌اهمیت شدن نسبت به حفظ حجاب نهراسیم.
 ۷. به نیازهای روانی آن‌ها پاسخ داده و شخصیت‌شان را به رسمیت شناخته و برایشان بیش از پیش احترام قائل شویم.
 ۸. از ارتباط آن‌ها با دوستانشان مطلع بوده و ارتباط‌شان با دوستان محجوب و متدینشان را تأیید کنیم.
 ۹. آن‌ها را با کسی مقایسه نکنیم و به تفاوت‌هایشان با دیگران، حتی با خواهر و برادرهایشان توجه داشته باشیم.
 ۱۰. در صورت امکان آن‌ها را در شرایطی قرار دهیم که نقش دفاع از حجاب را به عهده گیرند.
 ۱۱. موضوع حجاب نباید با جهت‌گیری‌های سیاسی گره بخورد؛ بلکه حجاب باید در ذیل رابطه فرد با خداوند قرار گیرد.
 ۱۲. آن‌ها را با الگوهای موفق از زنان محجبه آشنا کنیم و برایشان رابطه حجاب را با سلامت شخصیت تحلیل نماییم.
- به طور معمول، تردیدهای دوره نوجوانی که گستره وسیعی از هویت نوجوان را در بردارد، در پایان دوره نوجوانی، یعنی حدود هیجده سالگی به استقرار می‌رسد؛ اما این به آن معنا نیست که موضوع حجاب نیز به طور کامل برای فرد حل می‌شود. با این حال، تمایل به خودنمایی در دوره نوجوانی نیز ضمن آنکه باید از سوی والدین به رسمیت شناخته شود، در قالب برنامه‌ای خردمندانه باید هدایت شود. در این راستا، تغییر نوع نگرش نوجوان به هستی از طریق تقویت مباحث خداشناسی، مهم‌ترین محور قابل توجه است. علاوه بر این‌ها، فراهم کردن فرصت‌ها برای بروز خودنمایی برای

دختران نوجوان در جمع سایر دختران و محارم نیز می‌تواند تا حدی مناسب باشد.

۵. ۱۸ تا ۲۶ سالگی

دختران هجده ساله، دوره تحصیلی متوسطه عمومی خود را به پایان برده و بیشتر آن‌ها وارد دانشگاه می‌شوند. فضای دانشگاه بسیار متفاوت از فضای دبیرستان است. در فضای دانشگاه آزادی عملکرد بیشتر است و کنترل‌ها در رفت و آمد، تشکیل کلاس، حضور در کلاس و سایر موارد مشابه یا وجود ندارد یا در مقایسه با دبیرستان در حداقل شرایط خود است. دانشجویان دانشگاه‌ها برخلاف دانش‌آموزان دبیرستانی از یک شهر، یا یک محل، یا یک فرهنگ معین نیستند؛ بلکه از شهرها و قومیت‌های مختلف در دانشگاه با یکدیگر آشنا می‌شوند. احساس استقلال پس از ورود به دانشگاه، رو یا رو شدن با الگوهای گوناگونی از پوشش و آرایش و نیز دوستی‌های جدید دختران با یکدیگر بار دیگر ممکن است نحوه پوشش دختران را تحت تأثیر قرار دهد. علاوه بر این موارد، جو کلی دانشگاه‌ها شامل اختلاط دختران و پسران، نوع نگاه اساتید به موضوعات اعتقادی و حجاب، محتوای دروس دانشگاه‌ها به ویژه در رشته‌های علوم انسانی که همراه با دیدگاه‌های سکولار و فمینیستی است، از دیگر عواملی است که بنیادهای فکری دختران را برای حفظ حجابشان متزلزل می‌کند. شارع پور، تقوی و محمدی (۱۳۹۱)، در پژوهشی گرایش به حجاب را در بین دانشجویان بررسی کرده‌اند. آن‌ها نشان داده‌اند که مهم‌ترین عوامل گرایش به حجاب، گرایش به فمینیسم است. نکته مهم قابل توجه دیگر این است که دختران در دانشگاه هم به لحاظ شرایط جدیدی که تجربه می‌کنند و هم تحت تأثیر بزرگ‌تر شدن سنشان قدرت این را پیدا می‌کنند که تمایلات درونی‌شان را هر چند در مقابل خواسته خانواده و والدین باشد، ظاهر سازند. به عبارت دیگر، در دوره‌های سنی پایین‌تر دختران احساس وابستگی بیشتری به خانواده داشته و لذا ممکن است حفظ حجابشان نیز بیش از آنکه خود خواسته باشد، ناشی از تبعیت از خواسته‌های والدینشان باشد. آقایانی چاوشی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی بیان کرده‌اند که میزان آشنایی جوانان با پوشش اسلامی کم است. همچنین با ورود به دانشگاه و احساس استقلال، قدرت بروز تمایلات خود را بیشتر پیدا می‌کنند؛ بنابراین، دخترانی که تاکنون به لحاظ فشار خانواده حجاب داشته‌اند، ممکن است در این شرایط در وضعیت حجاب خود تجدیدنظر کنند.

تحقیقاتی که در غرب صورت پذیرفته، بیانگر آن است که رعایت حجاب معرّف ارزش‌های دینی

است (ایما، ۲۰۱۶؛ لاته و مودور، ۲۰۱۴)؛ در حالی که تحقیقات انجام شده در ایران نشان می‌دهد که جوانان و حتی میانسالان رابطه‌ای میان استفاده از چادر و تبلیغ ارزش‌های دینی احساس نمی‌کنند (آقایانی چاوشی و همکاران، ۱۳۸۹). این امر احتمالاً ناشی از آن است که بیش از آنکه رعایت حجاب را امری خود خواسته بدانند، آن را ناشی از اجبار و مرتبط با امور سیاسی می‌دانند. آن چنان که زنجانی و احسانی (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای نشان داده‌اند که رضایت از مسئولان دولتی، یکی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رویکرد جوانان نسبت به حجاب در دو منطقه از شهر تهران بوده است.

یک پدیده منفی دیگر نیز که متأسفانه در دوره‌های تحصیلی پایین‌تر و سپس در دانشگاه وجود دارد و با حجاب دختران نیز می‌تواند ارتباط داشته باشد، پدیده دوست پسر برای دختران است. خیلی از صاحب نظران معتقدند که گستردگی این پدیده خیلی بیشتر از حدی است که رسماً گزارش می‌شود. طرح این بحث در اینجا به دلیل پرداختن به این پدیده نیست؛ بلکه می‌خواهیم ارتباط آن را با حجاب توضیح دهیم. از این رو، موارد زیر در این ارتباط اهمیت دارد:

۱. بدون شک، پدیده دوست پسر می‌تواند در بین دختران محجوب، فراوانی کمتری داشته باشد. این امر هم به دلیل فضای خانوادگی دختران محجبه است و هم آنکه به طور معمول دختران محجبه اعتقادات دینی قوی‌تری دارند، قابل درک است (رفاهی و همکاران، ۱۳۹۱). اینکه گفته شد فراوانی کمتر به این دلیل است که نمی‌توانیم ادعا کنیم این پدیده بین دختران محجوب وجود ندارد.

۲. اگر بپذیریم که پدیده دوست پسر در بین دختران محجوب، فراوانی کمتری دارد؛ بنابراین، می‌توانیم به رابطه مثبت حجاب و عفت و عدم ارتباط نامشروع با جنس مخالف دست یابیم.

۳. وقتی رعایت حجاب متأثر از یک اعتقاد درونی به اطاعت از خداوند باشد، آثار جانبی آن حفظ ارتباطات دختران دیگر، در چارچوب مبانی اخلاقی و اعتقادی خواهد بود.

۴. همواره حفظ حجاب، بازدارنده از سایر رفتارهای ناهنجار نخواهد بود. هر چند همان طور که گفته شد، فراوانی ارتباط با نامحرم در افراد محجبه کمتر است؛ اما به معنای صفر بودن آن نیست.

۵. اگر حفظ حجاب صرفاً در پاسخ به نظر و انتظارات والدین باشد و مبنای آن برای دختران درک نشده باشد، نمی‌تواند مانع از رفتارهای ناهنجار دیگر دختران شود.

همان طور که بیان شد، جوانان و به ویژه دانشجویان با ورود به دانشگاه تحت تأثیر فضای جدید دانشگاه قرار می‌گیرند. دوستی‌های جدید، هم خوابگاهی‌ها، تشکلهای برنامه‌های فرهنگی،

نقش مهمی در جهت‌گیری دانشجویان دارند. به نسبتی که دانشجویان دختر از اعتماد به نفس بالاتری برخوردار بوده و اعتقادات اسلامی قوی‌تری داشته باشند، در انتخاب دوستی‌ها و همراه شدن با تشکل‌های مختلف آگاهانه‌تر عمل کرده و با پیوند با افراد مذهبی دیدگاه‌های قبلی خود را تقویت می‌کنند. حجاب دختران در این دوران، حریمی برای آن‌ها ایجاد می‌کنند که دانشجویان دیگر به‌ویژه پسران به راحتی به خود جرأت نزدیک شدن به این حریم را نمی‌دهند و معمولاً با این دختران محترمانه برخورد می‌شود. تحقیقات نشان می‌دهد که زنان محجبه به طور معناداری کمتر از زنان بد حجاب مورد تعدی و هتک حرمت قرار می‌گیرند (طیبی نیا و احمدی، ۱۳۹۲).

در سال‌های پایانی دانشگاه، دانشجویان دختر از ثبات رفتاری بیشتری برخوردار شده و عملاً الگوهایی را ادامه می‌دهند که در سال‌های نخست ورود خود به دانشگاه انتخاب کرده‌اند. رجائی، مستاجران و لطفی (۱۳۹۱) در تحقیقی نشان داده‌اند که تقلید از گروه همسالان، مدگرایی، تقلید از غرب و کم بودن اعتقادات مذهبی خانواده، علل اصلی بی‌توجهی دانشجویان به حجاب است. همچنین نگرش دانشجویان به حجاب در ترم‌های آخر تحصیل در دانشگاه منفی‌تر از ترم‌های اول خواهد شد.

دختران محجبه در دانشگاه ممکن است نگرانی‌هایی نیز داشته باشند، از جمله نگرانی‌ها ممکن است مقایسه خود با سایر دخترانی باشد که چندان در قید و بند حجاب نیستند. متأسفانه گاهی اوقات برخی از اساتید دانشگاه با دختران محجبه تعاملات سردتری داشته و این امر باعث ناراحتی آن‌ها می‌شود. از سوی دیگر، رابطه‌ای که دختران غیر محجبه با پسران در دانشگاه دارند، ممکن است باعث شود دختران محجبه تصور کنند که شانس ازدواج آن‌ها کمتر از آن دختران است. البته این تصور چندان به لحاظ میدانی قابل تأیید نیست؛ اما گاهی این ذهنیت باعث نگرانی‌هایی در دختران محجبه می‌شود. مشاهدات نشان داده است که نسبت بیشتری از دانشجویان محجبه تا سال‌های پایانی دانشگاه متأهل یا در شرف تأهل قرار می‌گیرند و سلامت عمومی این دختران بالاتر از دختران غیر محجبه است (زارعی توپخانه و همکاران، ۱۳۹۳).

نتیجه‌گیری

رعایت حجاب برای زنان ابعاد گسترده‌ای شامل احساس آرامش فردی، ارتقای حریم و حفظ جایگاه خود ارزشمندی، افزایش اعتماد به نفس، سلامت روابط اجتماعی، افزایش رضایتمندی

زناشویی، افزایش اعتماد اعضای خانواده به یکدیگر، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و غیره را به دنبال خواهد داشت. مطالعات نشان داده است که ضعف اعتقاد به حجاب با آسیب‌پذیری در یازده متغیر شامل غرب‌گرایی، شکاف بین نسل، اعتقادات دینی، تقیدات دینی، گرایش به دوستان ناباب، گرایش به اعتیاد، ملی‌گرایی، گرایش به فیلم‌های مبتذل، قانون‌گرایی، گرایشات فمینیستی و گرایش به جنس مخالف رابطه و هم‌بستگی نشان می‌دهد (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹). همان‌طور که بیان شد، با وجود همه سیاست‌های تخریبی، رشد حجاب در دنیای کنونی به عنوان یک پدیده اجتماعی مهم مورد توجه سیاستمداران و دیگر استراتژیست‌های بین‌المللی قرار دارد. بر اساس مطالعاتی که در کانادا انجام شده است، رشد حجاب در بین زنان مسلمان در کانادا از ۴۲ درصد در سال ۲۰۰۶ به ۵۳ درصد در سال ۲۰۱۶ ارتقا پیدا کرده است (نئومان، ۲۰۱۶).

با توجه به اهمیت موضوع حجاب، چگونگی تربیت دختران برای رعایت حجاب موضوع بسیار اساسی است که باید به خوبی واکاوی شود. در این پژوهش تلاش شد با رویکردی تحولی موضوع پذیرش حجاب تحلیل و بررسی شود. تأکید بر این رویکرد در بطن خود به معنای پررنگ دانستن چند موضوع محوری است. موضوع اول آن است که وقتی بر رویکرد تحولی تأکید داریم، به نوعی به پررنگ کردن نقش خانواده نیز توجه کرده‌ایم. زنجانی و احسانی (۱۳۹۱) طی مطالعه‌ای با عنوان «رویکرد جوانان نسبت به حجاب» نشان داده‌اند که اعتقادات مذهبی فرد و نگرش خانواده نسبت به حجاب فرزندان، از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده رویکرد جوانان (۱۸-۲۴ سالگی) نسبت به حجاب در دو منطقه از شهر تهران بوده است. به جز خانواده که نقش آن در حجاب طی تحقیقات مختلف بررسی شده است، موضوع دوم ایجاد حساسیت برای اهمیت دادن به دوره‌های سنی پایین است. موضوعی که دانش روان‌شناسی آن را بیشتر مدیون دیدگاه‌های روان‌تحلیل‌گران می‌داند. در واقع، با وجود دیدگاه‌های افراطی که روان‌تحلیل‌گران درباره نقش‌پذیری شخصیت انسان از تجربیات سنین پایین داشتند و دانش امروزی روان‌شناسی خیلی از آن‌ها را تأیید نمی‌کند؛ ولی خدمتی که آن‌ها به دانش روان‌شناسی کردند این بود که روان‌شناسان را متوجه اهمیت سنین اولیه کرده و نشان دادند تجربیات کودکان در سال‌های اولیه زندگی از قبل از تولد تا نوزادی، طفولیت، خردسالی، کودکی اولیه و کودکی ثانویه تا چه حد بر شخصیت آن‌ها در دوره‌های بعدی زندگی اثرگذار است. با توجه به این موضوع در مقاله حاضر تلاش شد تا گفته شود باید ثقل آموزش و گرایش به حجاب برای دختران را در سنین قبل از هفت سال جستجو کنیم. از این رو، تأکید شد که رعایت حجاب

برای دختری که در سن نه سالگی به بلوغ شرعی رسیده و عدم انجام واجبات برای او گناه محسوب می‌شود، وقتی می‌تواند به راحتی صورت پذیرد که از سنین پایین‌تر به خوبی با این الگوی رفتاری مأنوس شده و به آن عمل کرده باشد. در این راستا، تلاش شد مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌هایی که در سنین مختلف برای تحقق حجاب باید صورت پذیرد، تا حد ممکن تشریح شود و نیز به این امر اشاره شد که نوع یادگیری‌های کودک در سنین مختلف متناسب با ظرفیت‌های تحولی که پیدا می‌کند، راهنمای مناسبی برای مداخلات خانواده خواهند بود. موضوع سوم که متأثر از رویکرد تحولی است، توجه به تأثیرپذیری رفتار در فراخنای زندگی و مهم دانستن تجربیات فرد در طول زندگی و به نوعی رسیدن به رویکردهای بوم‌شناختی و تأیید نقش متغیرهای اجتماعی و فرهنگی است. پژوهش خوش‌فر، باقری، برزگر و نوشهری (۱۳۹۳)، نشان می‌دهد که متغیرهای فرهنگی، قوی‌ترین و مهم‌ترین متغیر پیش‌بینی‌کننده گرایش به حجاب بوده و بعد از آن متغیرهای خانوادگی قرار دارد. بر این اساس، به دلیل آنکه حجاب برای زنان یک دستور الهی است، مهم‌ترین تکیه‌گاهی که باید بر آن تأکید شود آن است که از بین تمام دلایل و استدلال‌هایی که برای رعایت حجاب وجود دارد، باید بر این نکته پا فشرد که «رعایت حجاب مبتنی بر دستور الهی است» و برای اینکه این استدلال مورد توجه دختران قرار گیرد، لازم است دیدگاه‌های اعتقادی آن‌ها مخصوصاً در حوزه خداشناسی تقویت شود. هر استدلال دیگری به جز این استدلال هر چند می‌تواند تقویت‌کننده و تا حدی اقناع‌کننده باشد، اما در مواقع گوناگون قابل نقض است؛ آن چنان که شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب به برخی از این استدلال‌ها پرداخته است (رک. مطهری، ۱۳۷۶).

در کنار همه تلاش‌هایی که باید صورت پذیرد و گفته شد که این تلاش‌ها باید متناسب با دانش روان‌شناختی از ظرفیت‌های اکتساب افراد و همچنین راهبردهای یادگیری باشد، دعای والدین در حق فرزندان خود برای آنکه خداوند آن‌ها را مورد لطف خود قرار داده و در مسیر هدایت قرار گیرند، نباید هیچ زمانی فراموش شود.

فهرست منابع

۱. آقایانی چاوشی، اکبر؛ داوود، طالبیان؛ مهدی، حبیبی؛ حمیده، دهاقین و سمیه سادات، انوری (۱۳۸۹)، «دیدگاه جوانان و میان سالان در مورد حجاب برتر»، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، ش ۱، ص ۷۷-۸۱.
۲. احمدی، خدابخش؛ زهرا، بیگدلی؛ آزاده، مرادی و فتح الله، سید اسماعیلی (۱۳۸۹)، «رابطه اعتقاد به حجاب و آسیب پذیری فردی، خانوادگی و اجتماعی»، *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، ش ۲، ص ۹۷-۱۰۲.
۳. برک، لورا (۲۰۰۷)، *روانشناسی رشد- از لقاح تا کودکی*، ج ۱، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: ارسباران.
۴. خامنه ای (آیت الله)، سیدعلی (۱۳۸۷)، *رساله اجوبه الاستفتائات*، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۵. خوش فر، غلامرضا؛ فاطمه، باقری؛ سمیه، برزگر و لیلا، نورمحمدی (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب و راهکارهای ارتقای آن (مطالعه موردی: شهروندان شهر گرگان)»، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره سوم، ش ۴، ص ۴۷-۷۳.
۶. رجالی، مهری؛ مهناز، مستاجران و مهران، لطفی (۱۳۹۱)، «نگرش دانشجویان دختر دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی اصفهان نسبت به حجاب و پوشش زنان و برخی عوامل مؤثر بر آن»، *مجله تحقیقات نظام سلامت*، سال هشتم، ش ۳، ص ۴۲۴-۴۳۰.
۷. رفاهی، ژاله؛ محمود، گودرزی و مرتضی، میرزایی چهارراهی (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل مؤثر بر شکل گیری رابطه دوستی پیش از ازدواج بین دختران و پسران از دیدگاه دانشجویان»، *فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۱۹-۱۳۵.
۸. زارعی توپخانه، محمد؛ سیده خدیجه، مرادیانی گیزه رود و عباسعلی، هراتیان (۱۳۹۳)، «رابطه بین متغیرهای پایبندی به حجاب، تصور از خود و سلامت روان»، *روان شناسی دین*، سال هفتم، ش ۳، پیاپی ۲۷، ص ۸۱-۹۲.
۹. زنجانی، حبیب الله و مریم، احسانی (۱۳۹۱)، «رویکرد جوانان نسبت به حجاب (مورد مطالعه: مناطق دو و هجده شهر تهران)»، *مطالعات جامعه شناختی ایران*، دوره ۲، ش ۶، ص ۷۵-۹۵.
۱۰. سیاح وگ، محمد، مهناز، امیرپور و عفت، وحیدی مطلق (۱۳۹۳)، «بررسی عوامل مؤثر بر عفت و حجاب دختران مقطع متوسطه»، *فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی*، سال اول، ش ۱.
۱۱. سیف، علی اکبر (۱۳۹۳)، *تغییر رفتار و رفتار درمانی- نظریه ها و روش ها*، تهران: نشر دوران.
۱۲. شارع پور، محمود؛ زینب، تقوی، و مهدی محمدی (۱۳۹۱)، «تحلیل جامعه شناختی عوامل مؤثر بر گرایش به حجاب مطالعه موردی: گرایش به حجاب در بین دانشجویان دختر دانشگاه مازندران»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران*، دوره ۱۹، ش ۵.
۱۳. صدر، فاطمه و عبدالله، معتمدی (۱۳۹۶)، «بررسی رابطه جهت گیری مذهبی با نگرش به حجاب و خودمهارگری در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی»، *روان شناسی و دین*، سال دهم، ش ۳، پیاپی ۳۹.
۱۴. طبیبی نیا، موسی و حبیب، احمدی (۱۳۹۲)، «مدل یابی معادلات ساختاری حجاب و عفاف، زن و جامعه»، *جامعه شناسی زنان*، دوره ۴، ش ۴، پیاپی ۱۶، ص ۴۷-۶۹.
۱۵. کریمی، حمید و فاطمه، قویمی (۱۳۹۶)، «نقش رسانه جمعی (تلویزیون) در آموزش مذهبی کودکان (مطالعه موردی: دانش آموزان ۸-۱۲ ساله آموزش و پرورش منطقه ۷ استان تهران)»، *ماهنامه پژوهش ملل*، دوره ۲، ش ۱۹.

۱۶. معتمدی، عبدالله (۱۳۸۶)، راهنمای تربیت کودک، شهرکرد: دانشگاه شهرکرد.
۱۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مسئله حجاب، تهران: صدرا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰)، رساله توضیح المسائل، قم: بی نا.
۱۹. هاشمی، سید حسین (۱۳۸۶)، «نقدی بر ماده ۶۳۸ ق. م. آ. در جرم انگاری بدحجابی»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان.

20. Emma Funnell-Kononuk (2016), "Adolescent Perceptions and Experiences of the Hijab: a Qualitative Canadian Study", Journal of Childhood and Religion, November 25.
21. Gulamhussein, Q., & Eaton, N. R. (2015), "Hijab, religiosity, and psychological wellbeing of Muslim women in the United States", Journal Of Muslim Mental Health.
22. Latch, Afifi & Mudor, Hamdia (2014), "Testing the Muslim Students' Attitude Towards Wearing Hijab at Prince of Songkla University Pattani Campus, Thailand", International Journal of Asian Social Science, 4(10), pp. 1035-1044.
23. Neuman, Keith (2016), Survey of Muslims in Canada 2016, Environics Institute for Survey Research.
24. Santrock, John (2013), Life-Span Development (14th edition), New York: McGraw-Hill Education.
25. Sigelman, Carol K. & Rider, Elizabeth A. (2018), Life-Span Human Development, (Ninth Edition). Boston: Cengage Learning.
26. Shaffer, David R., Kipp, Katherine (2013), Developmental Psychology, Childhood and Adolescence (9th edition), Belmont: Cengage Learning.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی